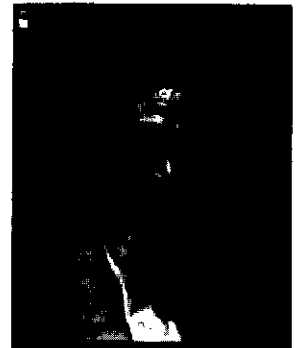


در گذشتگان

آية الله مرعشی شوشتری



فقیه فرزانه، استاد حکمت و فلسفه سیدمحمدحسن مرعشی یکی از چهره های علمی و اساتید مدرسه عالی شهید مطهری در پی بیماری در ۷۳ سالگی به دیدار معبود شتافت.

سیدمحمدحسن فرزند حجة الاسلام سیدسلطان محمد و نوه میرزا عبدالوهاب، فرزند میرزا سلطان محمد، فرزند میرزا محمدتقی، فرزند میرزا اسدالله، فرزند میرزا اسحاق مرعشی شوشتری بود. پدرش از فضلا و ائمه جماعت شوشتر بود که تحصیلاتش را در همان شهر نزد ملاجعفر شرف الدین و سیدبزرگ آل طیب به پایان برد و در صفر ۱۳۷۰ ق/ آذرماه ۱۳۲۹ ش در شوشتر رحلت کرد و در بقعه صاحب الزمان (عج) به خاک سپرده شد. پدر بزرگش میرزا عبدالوهاب از اشراف و اعیان بود و مدت ها سمت نائب الحکومه شوشتر را بر عهده داشت.

سیدمحمدحسن در سال ۱۳۵۶ ق/ ۱۳۱۶ ش در شوشتر استان خوزستان پا به عرصه گیتی نهاد. مقدمات اولیه را نزد پدر خود و ملا

شکر علی معنوی فرا گرفت و سطوح را نزد عالمانی چون سیدمحمدتقی حکیم، سیدمحمد موسوی جزائری و سیدمحمدحسن آل طیب به پایان رساند و خارج فقه و اصول را از محضر استادش موسوی جزائری و شیخ محمدتقی شوشتری فرا گرفت. البته سفرهای کوتاهی به نجف اشرف داشت و همان جا در درس آية الله سیدابوالقاسم خوئی شرکت می نمود. خدمات ایشان در خطه شوشتر بسیار است که می توان به تجدید بنای حوزه علمیه جزائریه و اداره و تدریس در این حوزه، تأسیس حوزه علمیه خواهران، تجدید بنای مقام صاحب الزمان (عج) و تجدید بنای مسجد شیخ علی که سال ها در آن جماعت اقامه می کرد، اشاره کرد، در ضمن به ایجاد حوزه علمیه ای در گتوند دست زد که تاکنون نیمه تمام مانده است.

مرعشی در سال ۱۳۶۱ ش وارد تشکیلات قضایی اهواز شد و ابتدا سمت حاکم شرع داشت و بعداً ریاست دادگاه را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۶۳ ش به دیوان عالی کشور- تهران ملحق شد و ابتدا در شعبه ۱۹ دیوان عالی خدمت کرد، سپس در شعبه ۲۰ و سرانجام به عضویت شورای عالی قضایی منصوب شد و یکی از پایه گذاران اصلی دستگاه قضایی به شمار آمد.

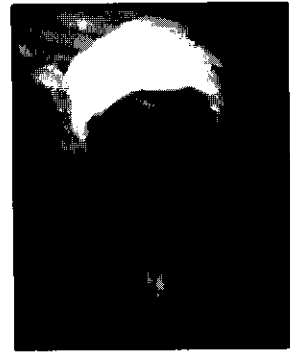
نبوغ و استعداد، همت و تلاش بسیار از او فقیهی کم مانند ارائه نمود. تواضع، مناهت طبع، بی توجهی به امور دنیا، روشن بینی اجتماعی، آفرینش آثار علمی و پژوهشی از جمله ویژگی های بارز ایشان بود. وی علاوه بر عضویت در هیئت علمی مدرسه عالی شهید مطهری و تدریس در این مدرسه، منزل و مراکز دانشگاهی عضو چهارمین دوره مجلس خبرگان گردید.

مرعشی در پی بیماری کلوی عاقبت در صبح روز دوشنبه ۱۶ شعبان ۱۴۲۹ ق/ ۲۸ مرداد ۱۳۸۷ ش در سن ۷۳ سالگی در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش صبح سه شنبه در تهران و صبح روز چهارشنبه در شوشتر تشییع و در بقعه صاحب الزمان (عج) به خاک سپرده شد. آثار علمی ایشان:

۱. شرح الفیه ابن مالک
۲. شرح تلخیص مختصر المعانی
۳. شرح بدایة الحکمة (اثر علامه طباطبائی)
۴. شرح نهایة الحکمة (اثر علامه طباطبائی)
۵. شرحی بر تهذیب المنطق (اثر فتازانی- فارسی)
۶. حاشیه علی الرسائل
۷. حاشیه علی کفایة الاصول
۸. شرح منظومة التحفة القوامیة فی الفقه
۹. شرح منظومة تحفة الحکیم فی الحکمة
۱۰. اثر شیخ محمدحسین فروری اصفهانی
۱۱. تعلیقات علی تمهید القواعد فی الفلسفة (اثر ابن ترکه)
۱۲. شرح حلقات الاصول (المرحلة الثالثة- اثر شهید صدر)
۱۳. اصول الفقه
۱۴. شرح کتاب التعلیقات فی الفلسفة (اثر ابن سینا)
۱۵. شرحی بر قانون مجازات اسلامی، چاپ شده
۱۶. سبیل الرشاد الی شرح الارشاد (اثر علامه حلی)، چاپ شده
۱۷. ترجمه کتاب فلسفتنا (اثر شهید صدر)، چاپ شده
۱۸. دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، دو جلد، چاپ شده
۱۹. حاشیه التلخیص فی الاصول.

همچنین از این دانشمند فقید ده ها مقاله در مجلات علمی و پژوهشی کشور چاپ شده است.

آیه الله عذلیبی سبزواری



دانشمند معظم فقیه فرزانه شیخ محمدتقی عذلیبی که از علمای برجسته و بقیه السلف مشهد مقدس بود در سن ۹۷ سالگی دارفانی را وداع گفت.

حاج شیخ محمدتقی فرزند شیخ نعمت الله و نوه شیخ محمدحسین قاضی سبزواری معروف به عذلیبی و ملقب به «خواستار» می باشد. در اواخر سال ۱۳۳۲ ق/ ۱۲۹۳ ش در شهر سبزواری به عرصه گیتی نهاد. پدرش از فضلا و اعظام معروف سبزواری که در فصاحت و بلاغت و داشتن صوت و لحن خوش کم نظیر بود. او در سال ۱۳۳۸ ش در سبزواری در حدود ۷۰ سالگی درگذشت و در امامزاده شعیب به خاک سپرده شد.

شیخ محمدتقی مقدمات را نزد پدر ارجمند خود و شیخ علیرضا مدرس در زادگاهش بیاموخت و به سوی مشهد رهسپار شد و ادبیات را نزد شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری به پایان برد. سطوح را نزد حضرات آیات شیخ هاشم قزوینی، سیدحسین فقیه سبزواری و شیخ آقا بزرگ شاهرودی طی نمود.

ایشان در سال ۱۳۵۵ ق/ ۱۳۱۵ ش عازم نجف اشرف گردید و خارج را از محضر شیخ ضیاءالدین عراقی و سید ابوالقاسم خوئی استفاده نمود، سپس به کربلای معلی رفت و از محضر سیدحسین طباطبائی قمی و سیدمحمدهادی میلانی بهره ها برد. آن گناه در سال ۱۳۶۴ ق/ ۱۳۲۴ ش به زادگاه خود مراجعت نمود

و مشغول تدریس و اقامه جماعت در مسجد جامع شد. مخفی نماند که ایشان از حضرات آیات سید ابوالحسن اصفهانی، استادش عراقی، میرزا عبدالهادی شیرازی، میرزا محمدهادی میلانی و سید محمود شاهرودی دارای اجازاتی بوده است.

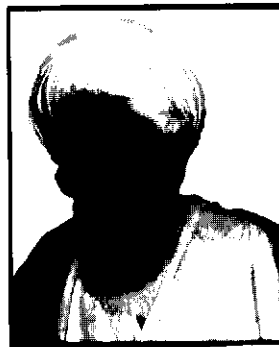
جناب عذلیبی جهت تعمیر و کاشیکاری مسجد جامع سبزواری در سال های چهل شمسی به همت حاج محمود مسلم اقداماتی نمود و کار تعمیر در محرم ۱۳۸۹ ق به پایان رسید. نامبرده در سال ۱۳۹۰ ق/ ۱۳۴۹ ش در پی دعوت آیه الله سیدمحمدهادی میلانی جهت شرکت در جلسه استفتا رحل اقامت خود را برای همیشه در مشهد مقدس برگزید و در مسجد امام حسین (ع) به اقامه جماعت و انجام وظیفه دینی پرداخت. در ضمن درس های شرح منظومه، کفایه، مکاسب و خارج فقه مقارن و تطبیقی را برعهده گرفت. او فردی دانشمند، زاهد، مهربان و دارای خصال اخلاقی حقیقی بود.

از آثار او

۱. تقریرات درس عراقی؛
۲. تقریرات درس قمی؛
۳. تقریرات درس میلانی؛
۴. تمالیف علی شرح المنظومه (ملا هادی سبزواری).

عذلیبی بر اثر کهنوت سن در غروب جمعه ۸ رجب ۱۴۲۹ ق/ ۲۱ تیر ۱۳۸۷ ش در سن ۹۷ سالگی در مشهد مقدس دارفانی را وداع گفت. پیکرش پس از تشییع در صحن امام رضا (ع)، صحن جمهوری اسلامی به خاک سپرده شد.

حجة الاسلام جعفری



دانشمند محترم حضرت حجة الاسلام و المسلمین میرزا وهاب جعفری از فضلا و

نویسندگان حوزه علوم دینی در سن ۷۶ سالگی در شهر قم بدرود حیات گفت. ایشان در ذی قعدة ۱۳۵۳ ق/ ۱۲ اسفند ۱۳۱۳ ش در روستای بیلوردی از توابع شهرستان هریس (استان آذربایجان شرقی) دیده به جهان گشود. پدرش حاج خلیل فرزند محمد از کشاورزان و پارسایان بود.

میرزا وهاب مقدمات را در شهر تبریز نزد میرزا عمران عزیزاده، شیخ مصطفی اعتمادی و شیخ حسین نجفی فرا گرفت و شرح لمعه را نزد میرزا محمد توتونچی و سیدمحمدکاظم طباطبائی (مفید) به پایان رساند. وی پس از پنج سال توقف در تبریز در حدود سال ۱۳۵۵ ش رهسپار حوزه علمیه قم شد و در مدرسه حجتیه سنکی گزید و دروس سطوح را نزد حضرات آیات شیخ احمد پایانی اردبیلی، سیدمحمدباقر سلطانی طباطبائی، سیدجواد خطیبی تبریزی و شیخ ابوالفضل علمائی سراسی سپری کرد و به درس خارج حضرات آیات سیدکاظم شریعتمداری و سیدمحمد شیرازی راه یافت. در ضمن علوم عقلی را نزد سیدحسین قاضی طباطبائی، شهید شیخ مرتضی مطهری و دکتر مهدی حائری یزدی و دروس تفسیری را از محضر سیدمحمدحسین تبریزی (علامه طباطبائی) استفاده نمود. جعفری از استادش شیرازی اجازه اجتهاد و از سیدشهاب الدین مرعشی، سیدعبدالله موسوی شبستری و سیدصادق شیرازی اجازات روایی دریافت کرده بود. آثار قلمی ایشان عبارت اند از:

۱. ترسیمی از شخصیت بزرگ اسلامی عبدالله بن عباس، چاپ شده در قم؛
۲. داستان های مروج الذهب، قم، ۱۳۷۶ ش؛
۳. اهل بیت (ع) در نهج البلاغه، قم، ۱۳۸۱ ش؛
۴. عبرت های تاریخ، قم، ۱۳۸۱ ش؛
۵. ذکر در قرآن و نهج البلاغه، قم، ۱۳۸۵ ش؛
۶. ده فرمان قرآن، نشر اندیشه هادی- قم، ۱۳۸۶ ش؛
۷. چهل حدیث، تاکنون مخطوط می باشد؛
۸. تقریرات درس فقه، نیز مخطوط است.

شایان ذکر است نامبرده نیم قرن در حوزه علمیه قم سکونت داشته و در طول این سال ها

صبح روز پنجشنبه تشییع و در جوار علی بن جعفر (ع) به خاک سپرده شد.

عبدالحسین جواهر الکلام



حجة الاسلام جعفری در پی بیماری در غروب روز سه شنبه ۲۴ ربیع الاول ۱۴۲۹ ق/ ۱۳ فروردین ۱۳۸۷ ش در سن ۷۶ سالگی در شهر قم دیده از جهان فرو بست. پیکرش

علاوه بر تدریس مقدمات و برخی از کتب سطح در خدمت اسلام و مرجعیت و مشغول ترویج مذهب و تقدیم خدمات اجتماعی نیز بوده است.

فرهنگی

مولانا و قونیه

همچنان استوار بر بلندای تاریخ

در اثنای سفر به شهر استانبول و دیدار از نمایشگاه کتب اسلامی در جامع سلطان احمد و خرید برخی منابع و مصادر الحمد لله توفیقی نصیب گردید در معیت ده نفر از اساتید فرهیخته و دانشمند آقایان محمدعلی ایازی، محمد مجتهدی، سیدحسن اسلامی، حسین علیزاده، مصطفی مطبعمه چی، محمد نوری، رضا بابایی، محمد مرادی، رحمان ستایش و هادی ربانی، در روز سه شنبه ۹ مهر ۱۳۸۷ برابر با آخرین روز ماه مبارک ۱۴۲۹ این روز بر اساس تقویم رسمی ترکیه روز عید فطر اعلام شده بود) به شهر مولانا یعنی قونیه سفری کنیم و تربت مولانا جلال الدین محمد بلخی رومی، پدر، پسر، شاگردان و سایر زهاد و اوتاد مدفون در کنار مزار آن سترگ شاعر و عارف نامی را از نزدیک زیارت نماییم و به روح پاکشان درودی بفرستیم و یادشان را گرامی بداریم.

شهر قونیه با ارتفاع ۵۳۳ متر از سطح دریاهای آزاد جهان در حدود ۵۰۰ کیلومتری جنوب شرق استانبول قرار دارد و از آنکارا تا قونیه نیز در جنوب آن حدود ۲۵۰ کیلومتر مسافت است که پس از گذر از شهرهای کوچک همچون «کولو» و «جیهان بیلی» و نیز گذر از کنار دریاچه «توز گولو» به قونیه می رسد. شهر قونیه در زمان های کهن از طرف یونانیان «دانا» نامیده می شد که مرکز سرزمین «لیکانونیه» محسوب می گردید،

مغولان به سمت غرب آغاز شده بود، به جهت امان ماندن از آنان و نیز سیاحت بعضی بلاد روم و زیارت بیت الله الحرام و ادای فریضة حج به مصاحبت پدر دانشمندش راهی غرب گردیدند و در اثنای راه در نیشابور با عطار نیشابوری ملاقاتی نمود و از طرف آن روشن ضمیر به موفقیّت بی نهایت درخشان آینده اش مستبشر گردید. او نسخه ای از اسرار نامه اش را نیز به مولانا هدیه کرد. آنان هنگام بازگشت از سفر حج مدتی را در شام اقامت نمودند و پدر نیز بنا به وصیت برهان الدین ترمذی راهی دیار روم گردید و در این اثنا قاصدی دهرت سلطان علاءالدین سلجوقی از پدر و پسر را جهت اقامت در قونیه به آنها ابلاغ نمود. از آن پس بهاءالدین محمد و مولانا در قونیه اقامت گزیدند. پدر عارفش بهاءالدین محمد در سال ۶۳۱ ق در قونیه درگذشت. مولانا پس از پدر متمکن مسند تدریس و حلقه تصوف و عرفان در قونیه گردید و گفته شده که ۴۰۰ طالب علم و سالک الی الله در حلقه درس مولانا جلال الدین رومی شرکت می جستند و هر یک به اندازه استعداد خود بهره می بردند:

یکی را بهر مخموری و مستی

یکی را رستن از پندار و هستی

حضور ناگهانی شمس تبریزی در قونیه با اشاره شیخ رکن الدین زرکوبی آغاز نقطه عطفی در زندگی مولانا گردید. این رابطه عشق و عاشقی میان مولانا و شمس به حدی بود که وی در پی پیر، مرشد و مراد خویش (شمس تبریزی) مسند رسمی تدریس علوم ظاهری را رها نمود و حلقه مریدی شمس را

سپس بعدها به تدریج از سوی رومیان به «ایقونوم» مشهور گردید و از زمان سلجوقیان که این شهر به پایتختی انتخاب گردید، به اختصار به «قونیه» شهرت یافت. سلطان علاءالدین سلجوقی در دوران سلطنت خود با احداث سور و بارو و کندن خندق دور آن به تحکیم این شهر پرداخت و سلجوقیان بعدی نیز با احداث مدارس، جوامع و سایر بناها به تدریج بر استحکام و غنای این شهر افزودند، لیکن در جنگ های بین آل عثمان و سلجوقیان در اواخر سده ۷ و اوایل سده ۸ ق شهر قونیه متحمل خسارات فراوانی گردید و بسیاری از بناهای کهن آن تخریب شد. پس از آن بود که این شهر از سوی عثمانیان فتح گردید و در قلمرو ممالک امپراتوری عثمانی قرار گرفت. از آثار به جای مانده از دوره سلجوقیان، افزون بر مزار مولانا می توان به جامع شریف سلطان علاءالدین کیقباد سلجوقی اشاره نمود که بارها از سوی سلاطین عثمانی تعمیر و مرمت شده است (قاموس الملام، ج ۵، ص ۳۷۸۱-۳۷۸۲).

تردیدی نیست آنچه که مشتاقان و دلدادگان را از سراسر جهان به شهر قونیه می کشاند، زیارت خاکجای و تربت عارف نامی ایران زمین مولانا جلال الدین محمد بن بهاءالدین محمد بن حسین بلخی رومی است. مولانا در سال ۶۰۴ ق در بلخ دیده به جهان گشود و تحت تربیت پدر مراحل سلوک و عرفان عملی را از همان سنین کودکی پی گرفت و از همان ایام نوجوانی صیت و آوازه او در تمامی اقطار پیچید و یگانه آفاق گردید. در همان اوان که هجوم لشکر چنگیز خان و